رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۱۱، شماره پیاپی ۸۰، بهمن ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(11), 2023

رابطه خودپنداره جنسی با گرایش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان

The relationship between sexual self-concept and the tendency to extramarital affairs with the mediating role of emotion regulation

نسترن شالچیان پورخلجان
دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.
جوانشیر اسدی (نویسنده مسئول)
استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.
رمضان حسن‌زاده
استاد گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران.
افسانه خواجوند خوشلی
استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Nastaran Shalchian Pourkhaljan
PhD student in Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.
Javanshir Asadi*
Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran. *ardeshir.asadi@yahoo.com*
Ramazan Hassanzadeh
Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran.
Afsaneh Khajevand khoshali
Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه خودپنداره جنسی و گرایش به روابط فرازناشویی بود. روش پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری شامل زنان با تجربه خیانت به همسر بود که در سال ۱۳۹۸ به دادگاه خانواده و مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شهر تهران مراجعه کرده بودند. از این جامعه تعداد ۳۷۳ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی واتلی (ATIS) (۲۰۰۸)، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ) گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) و پرسشنامه چندوجهی خودپنداره جنسی (MSSCQ) اسنل (۱۹۹۵) بودند. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد اثر غیرمستقیم خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی با میانجی‌گری تنظیم هیجان منفی (β=-۰/۱۰ و P=۰/۰۱) و تنظیم هیجان مثبت (β=-۰/۰۴ و P=۰/۰۰۹) معنادار بود. اگرچه اثر مستقیم خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی معنادار نبود (β=۰/۱۰ و P=۰/۳۸)، اما مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود. نتیجه پژوهش نشان‌گر نقش میانجی معنادار تنظیم هیجان در رابطه خودپنداره جنسی و گرایش به روابط فرازناشویی است که می‌تواند در آموزش‌ها و مداخله‌های کاهش خیانت زناشویی مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: تنظیم هیجان، خودپنداره جسی، گرایش به روابط فرازناشویی.

Abstract

The aim of this study was to determine the mediating role of emotion regulation in the relationship between sexual self-concept and the tendency to extramarital relationships. The research method was a correlation. The statistical population included women with experience of infidelity who in 2019 had been referred to the family court and counseling centers and psychological services in Tehran. From this population, 373 people were selected by purposive sampling. The research tools were; the attitudes toward infidelity scale (ATIS) of Whatley (2008), the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ) of Garnfsky et al (2001), and the Multidimensional Sexual Self-Concept Questionnaire (MSSCQ) of Snell (1995). Path analysis was used to analyze the data. The results showed that was significant the indirect effect of sexual self-concept on the tendency to extramarital affairs mediated by negative emotion regulation (β = -0.10 and P = 0.01) and positive emotion regulation (β = -0.04 and P = 0.009). Although was not significant the direct effect of sexual self-concept on the tendency to extramarital affairs (β = 0.10 and P = 0.38), the research model had a good fit. The results indicate a significant mediating role of emotion regulation in the relationship between sexual self-concept and the tendency to extramarital relationships that can be considered in education and interventions to reduce marital infidelity.

Keywords: emotion regulation, sexual self-concept, tendency to extramarital affairs.

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت :** خرداد ۱۴۰۱ | **پذیرش:** تیر ۱۴۰۱ | **ویرایش نهایی:** بهمن ۱۴۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

مقدمه

با کمرنگ شدن تعهد زوج‌ها نسبت به یک‌دیگر، امروز گرایش به روابط فرازناشویی یکی از بحرانی‌ترین مسائل زوج‌ها محسوب می‌گردد. این امر تا حدودی ناشی از افزایش انگیزه‌های هیجانی و مالی و همچنین گسترش شبکه‌های مجازی بوده است که باعث تحریک و تسهیل دسترسی به روابط فرازناشویی شده است (استافورد[1]، ۲۰۱۷؛ هکتور و آشدون[2]، ۲۰۲۱؛ وسلر و مولر[3]، ۲۰۲۰). وارد شدن به روابط فرازناشویی، نقض اساسی تعهد زناشویی محسوب می‌شود که اعتماد زوجین را نسبت به یک‌دیگر کاهش داده و در نهایت منجر به بی‌اعتمادی مطلق می‌گردد (فاروق[4]، ۲۰۱۸). به طور کلی گرایش به روابط فرازناشویی به عنوان یک عمل جنسی و یا عاطفی توسط شخصی که در یک رابطه متعهدانه قرار دارد، تعریف می‌شود؛ این عمل خارج از رابطه زناشویی رخ می‌دهد و به منزله نقض اعتماد و یا نقض قوانین رابطه زناشویی است (مولر و وسلر، ۲۰۱۵). وارد شدن به روابط فرازناشویی بیانگر عبور از مرزهای زناشویی و ایجاد صمیمیت فیزیکی یا عاطفی خارج از رابطه زناشویی است (مونش[5]، ۲۰۱۸؛ آپوستولو[6]، ۲۰۱۹). خیانت زناشویی، به ویژه در جوامع شرقی، شوک عمیقی به همسر و نهاد خانواده وارد می‌کند (فاروق، ۲۰۱۸). به گونه‌ای که روابط فرازناشویی، یکی از علل اصلی طلاق در زوجین است (بائوکوم[7] و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج یک مطالعه در زوجین ایرانی نشان داد که در ۳۸ درصد از موارد خیانت زناشویی، از علل اصلی طلاق محسوب می‌گردد (دوهرتی[8] و همکاران، ۲۰۲۱). علاوه بر این، وارد شدن به روابط فرازناشویی منجر به عواقب نابهنجار و نامطلوب می‌شود و مشکلات زیادی را هم برای همسران خیانت‌کار و هم برای همسران خیانت دیده به وجود می‌آورد. این امر به حدی می‌تواند بحرانی باشد که منجر به ضرب و شتم، قتل و خودکشی در زوجین دچار تجربه خیانت گردد (فینچام و می[9]، ۲۰۱۷).

در روابط زناشویی، خودپنداره جنسی[10] یک پیش‌بینی‌کننده مهم رفتار جنسی است و می‌تواند در ارتقای رابطه زناشویی مؤثر باشد (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۱). خودپنداره جنسی ساختاری چند بعدی و پویا است که بر اساس درک فرد از تمایلات جنسی شخصی خود ایجاد می شود (دتش[11] و همکاران، ۲۰۱۴). این مفهوم عاطفی به رشد دانش، هویت و خودارزیابی در زندگی جنسی کمک می‌کند (ضیایی و همکاران، ۲۰۱۳). خودپنداره جنسی، دیدگاه شناختی انسان نسبت به جنبه‌های جنسی خود است که افکار، احساس‌ها و عملکرد آنها را در مورد خود به عنوان موجودی جنسی منعکس می‌کند و می‌تواند پیش بینی کننده پیامدهای جنسی نظیر خیانت‌زناشویی باشد (پوتکی و همکاران، ۲۰۲۰). خودپنداره جنسی منفی می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به روابط فرازناشویی در زوجین گردد، چرا که سطح پایین‌تر خودپنداره جنسی می‌تواند منجر به کاهش مشارکت، صمیمیت و رضایت جنسی زوج‌ها شود (معصومی و همکاران، ۲۰۱۶). به عبارتی دیگر به نظر می‌رسد با توجه به نقش قابل توجهی که خودپنداره جنسی در انگیزه جنسی و رضایت جنسی دارد، می‌تواند با دلزدگی زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی در ارتباط باشد (ریاضی و همکاران، ۲۰۲۰).

از آن جایی که خودپنداره جنسی به هیجان‌های فرد مربوط می شود و بیشتر به عنوان یک سازه هیجانی مفهوم‌بندی می‌گردد، ممکن است به واسطه تغییرات هیجانی در افراد متاهل نقش ایفا کند (یزدانی و همکاران، ۲۰۱۹). در همین رابطه تنظیم هیجان به فرآیندهایی اشاره دارد که از طریق آن افراد بر هیجان‌های خود زمانی که آنها تجربه و ابراز می‌کنند، اثر می‌گذارند (گراس[12]، ۲۰۱۵). تنظیم هیجانی منفی بر جنبه‌های منفی یک موقعیت، افزایش نگرانی‌ها و به حداقل رساندن جنبه‌های مثبت اشاره دارد و شامل راهبردهایی مانند ملامت خویش، فاجعه انگاری و ملامت دیگران است. در مقابل تنظیم هیجانی مثبت بر جنبه‌های مثبت یک موقعیت، کاهش نگرانی و افزایش جنبه‌های مثبت یک رویداد متمرکز است و شامل راهبردهایی مانند پذیرش خود، تمرکز مجدد مثبت و تمرکز مجدد بر برنامه ریزی است

1 Stafford
2 Hackathorn & Ashdown
3 Vossler & Moller
4 Farooq
5 Munsch
6 Apostolou
7 Baucom
8 Doherty
9 Fincham & May
10 sexual self-concept
11 Deutsch
12 Gross

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

(گارنفسکی[1] و همکاران، ۲۰۰۲). به نظر می‌رسد که استفاده از راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان در افراد با تجربه روابط فرازناشویی کمتر از افراد بدون این تجربه است و در مقابل افراد با تجربه روابط فرازناشویی بیشتر از راهبردهایی منفی مانند ملامت خود و دیگران و فاجعه‌انگاری استفاده می‌کنند (رفیعی‌نیا و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین به نظر می‌رسد که تنظیم هیجان مثبت می‌تواند به رشد و سازگاری در افرادی که با خیانت همسر روبرو شده‌اند کمک کند و در مقابل تنظیم هیجان منفی مانع این سازگاری و رشد گردد (فراهانی و منصوری، ۲۰۱۹). اگر چه این خلاء وجود دارد که مدلی مبنی بر رابطه خودپنداره جنسی و گرایش به روابط زناشویی با نقش میانجی تنظیم هیجان مورد بررسی قرار نگرفته است، با این حال نتایج برخی از پژوهش‌ها از جنین مدلی پیشتیانی کرده است. در همین رابطه نتایج پژوهش‌های کریمی و کرد (۱۳۹۶)، ماتینز – مارین[2] و همکارن (۲۰۲۱) و سبحانی و همکاران (۲۰۲۰) بیانگر رابطه خودپنداره با تنطیم هیجان بوده و نتایج پژوهش‌های فتحی (۲۰۲۱) و دشت‌بزرگی (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که عدم توانایی در تنظیم هیجان با خیانت زناشویی رابطه دارد.

بررسی‌های نظری و پژوهشی که پیش‌تر به آنها اشاره گردید، تا حدودی حاکی از این هستند که خودپنداره جنسی به واسطه نقشی که در تنظیم هیجان دارند، می‌توانند پیامدهای روابط زناشویی را متاثر سازند و از سوی دیگر از نقش تنظیم هیجان در خیانت زناشویی حمایت شده است. با این حال این خلاء وجود دارد که به بررسی نقش تنظیم هیجان در گرایش به روابط زناشویی با توجه به خودپنداره جنسی توجه نشده است. با توجه به اینکه خیانت زناشویی یکی از علل اصلی طلاق است، بنابراین با اثبات نقش میانجی تنظیم هیجان و اثر خودپنداره جنسی در گرایش به روابط فرازناشویی، می‌توان از این متغیرها در آسیب‌شناسی و درمان گرایش به روابط فرازناشویی بهره برد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه خودپنداره جنسی و گرایش به روابط فرزناشویی در افراد متأهل با تجربه خیانت زناشویی همسر بود.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی به روش تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان با تجربه خیانت به شوهر بود که به دادگاه خانواده و مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی شهر تهران در سال ۱۳۹۸ مراجعه کرده بودند و تعداد آنها بر اساس بررسی‌های پژوهشگر (با توجه به نبودن آماری از این جمعیت در آمارهای رسمی کشوری و پژوهش‌های صورت گرفته، بررسی میدانی پژوهشگر از مراکز مشاوره و خدامات روان‌شناختی ملاک قرار گرفت) تقریبا ۱۰ هزار نفر بود. با توجه به جدول کرجسی و مورگان تعداد حجم نمونه لازم برای این تعداد از جامعه آماری ۳۷۳ نفر است. بر همین اساس تعداد ۳۷۳ زن با تجربه خیانت شوهر به عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه، ابتدا از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، ۵ منطقه به تصادف انتخاب شدند (مناطق ۴، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۸). سپس از هر منطقه تعداد ۵ مرکز انتخاب شدند و سپس از هر کدام یک از مراکز تعداد ۱۵ زن (یک مرکز تعداد ۲۳ نفر انتخاب شد) با تجربه خیانت به همسر که در شرف طلاق بود انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: عدم وجود اختلالات ذهنی و جنسی (با تشخیص روان‌شناس مرکز مراجعه‌کننده)، داشتن حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک، تحصیلات حداقل دیپلم و عدم وابستگی به مصرف مواد (طبق اظهار نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش). ملاک‌های خروج از پژوهش شامل عدم پاسخگویی به حداقل ۵ درصد از گویه‌های هر یک از پرسشنامه‌ها و انصراف از ادامه پژوهش حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها بود.

لازم به ذکر است که از جمله ملاحظات اخلاقی مورد توجه شامل اختیاری بودن شرکت در پژوهش و محرمانه نگه داشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان بود. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر استفاده از شاخص‌های توصیفی از آزمون همبستگی پیرسون و همچنین تحلیل مسیر و روش بوت استراپ جهت بررسی اثر میانجی استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از دو نرم افزار تحلیل آماری SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۴ صورت گرفت.

1 Garnefski
2 Martínez-Marín

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

ابزار سنجش

مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی (ATIS)[1]: این مقیاس را واتلی[2] (۲۰۰۸) طراحی کرده است که دارای ۱۲ عبارت است و پاسخگویی به پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (کاملا موافقم = ۷ تا کاملا مخالفم = ۱) است. گویه های ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۲ به صورت معکوس نمره گذاری می‌گردند. دامنه نمرات بین ۱۲ تا ۸۴ است و نمره بالاتر نشان دهنده نگرش مثبت به خیانت زناشویی است. سازنده پایایی مقیاس را به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ گزارش کرده است. همچنین برای تعیین روایی ساختار مقیاس، از ضریب همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای در بین نمرات نگرش به روابط خارج از ازدواج و پاسخ درست/کاذب شرکت کنندگان به سوال «من هرگز به شریکم خیانت نکردم» استفاده شد .آنهایی که نمرات بالاتری در نگرش نسبت به روابط خارج از زناشویی کسب کردند، بیشتر به شریک زندگی خود خیانت کردند (P>۰/۰۵). ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در ایران توسط حبیبی و همکاران (۲۰۱۹) مورد بررسی قرار گرفت و ساختار یک عاملی مقیاس را با استفاده از تحلیل عامل تاییدی، تایید کردند و میزان ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی (با فاصله دو هفته) آن را به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۷۳ گزارش کردند. همچنین مقیاس روایی واگرایی معناداری را با مقیاس رضایت زناشویی کانزاس (P<۰/۰۱ و r= -۰/۲۲) و خرده مقیاس رضایت جنسی انریچ (P<۰/۰۵ و P=-۰/۱۶) نشان داد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۶ برای این مقیاس بدست آمد.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ)[3]: پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۲) تدوین شده است و یک ابزار خود گزارشی است که دارای ۳۶ ماده است و بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای (تقریبا هرگز = ۱ تا تقریبا همیشه =۵) نمره گذاری می‌گردد. مقیاس تنظیم شناختی هیجان ۹ راهبرد شناختی ملامت خویش، پذیرش، نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه پذیری، فاجعه انگاری و ملامت دیگران را ارزیابی می کند. این راهبردها به دو دسته کلی راهبردهای مثبت) و راهبردهای منفی تقسیم می‌گردند. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه توسط جرمن[4] و همکاران (۲۰۰۶) بر روی یک نمونه ۲۲۴ نفری مورد بررسی قرار گرفت و ضمن تایید مدل دو عاملی پرسشنامه (RMSEA=۰/۰۶)، ضریب آلفای کرونباخ عامل‌ها بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۷ بدست آمد. همچنین گارنفسکی و کرایج (۲۰۰۷) آلفای کرونباخ بین ۰/۷۵ و ۰/۸۷ را برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه و نمره کل آن گزارش کرده است و بین راهبردها مثبت و منفی پرسشنامه با علائم افسردگی و اضطراب بک روایی همگرا و واگرایی معناداری را گزارش داده‌اند (کمترین مقدار همبستگی برابر با ۰/۱۸ و بالاترین نیز ۰/۴۰ بود، P<۰/۰۱). این پرسشنامه در ایران توسط بشارت (۲۰۱۰) مورد بررسی قرار گرفته است و روایی محتوای پرسشنامه را برابر با ۰/۸۱ گزارش کرده است و مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ گزارش شده است. همچنین حسنی (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۸ تا ۰/۸۲ را برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه گزارش کرده است و روایی همزمان معناداری را بین خرده مقیاس‌های پرسشنامه با پرسشنامه علائم افسردگی بک گزارش داده است (کمترین مقدار همبستگی برابر با ۰/۲۵ و بالاترین نیز ۰/۴۸ بود، P<۰/۰۱). در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس راهبردهای مثبت ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس راهبردهای منفی ۰/۷۳ بدست آمد.

پرسشنامه چندوجهی خودپنداره جنسی (MSSCQ)[5]: پرسشنامه چند وجهی خودپنداره جنسی که توسط اسنل[6] در سال ۱۹۹۵ طراحی شد، یکی از کاربردی ترین ابزارهایی است که در حوزه روان شناختی برای اندازه گیری درک افراد از رابطه جنسیشان بکار برده می شود. این پرسشنامه، یک ابزار خودگزارشی عینی است که شامل ۱۰۰ سئوال است و بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (اصلا = ۰ تا خسلس = ۵) نمره‌گذاری می‌گردد. این پرسشنامه مواردی هممچون اضطراب جنسی، خود کارآمدی جنسی، آگاهی جنسی و اشتیاق جنسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. اسنل (۲۰۰۱) میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۵ را برای نمره کل پرسشنامه گزارش داده است و روایی واگرای معناداری میان پرسشنامه با پرسشنامه عملکرد جنسی (r=-۰/۳۸ و P<۰/۰۱) و دلبستگی اضطرابی (r=-۰/۳۱ و P<۰/۰۱) را گزارش داده است. در ایران رمضانی و همکاران (۱۳۹۱) این پرسشنامه را در جمعیت ایرانی بررسی کرده‌اند و میزان آلفای کرونباخ نمره کل پرسشنامه را ۰/۸۹ گزارش داده اند و روایی واگرای این پرسشنامه را با پرسشنامه سلامت عمومی (P=۰/۰۰۸ و r=-۰/۳۰) و رضایتمندی

1 attitudes toward infidelity scale (ATIS)
2 Whatley
3 Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ)
4 Jermann
5 Multi-dimensional Sexual Self-concept Questionnaire (MSSCQ)
6 Snell

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

زناشویی (P=۰/۰۰۸ و r=-۰/۳۱) معنادار گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای نمره کل پرسشنامه ۰/۸۳ بدست آمد.

یافته‌ها

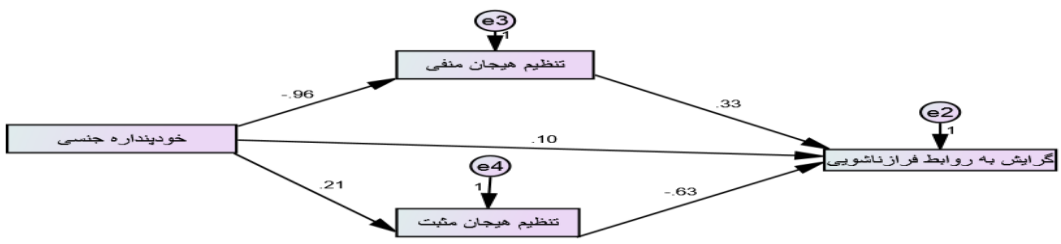
بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ۳۷۳ زن شرکت کننده در پژوهش نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت کنندگان به ترتیب برابر ۳۳/۵۰۴ و ۵/۰۹۷ با دامنه سنی ۲۳ تا ۴۷ سال بود. همچنین میانگین و انحراف معیار مدت زمان ازدواج آنها به ترتیب ۱۴/۲۳ سال و ۴/۴۶ بود. همچنین ۸۵ نفر (۲۳ درصد) دیپلم، ۹۸ نفر فوق دیپلم (۲۶ درصد)، ۱۳۴ نفر لیسانس (۳۶ درصد) و ۵۶ نفر دارای تحصیلات فوق لیسانس (۱۵درصد) بودند در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. در جدول ۱ شاخص-های توصیفی متغیرهای پژوهش به همراه ضرایب همبستگی آنها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون به همراه شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱-تنظیم هیجان مثبت	۱			
۲- تنظیم هیجان منفی	-۰/۱۹**	۱		
۳- خودپنداره جنسی	۰/۲۱**	۰/۹۶**	۱	
۴- گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۶۷**	۰/۳۵**	-۰/۳۵**	۱
میانگین	۴۷/۹۵	۵۱/۶۷	۱۹۸/۸۳	۴۵/۵۴
انحراف معیار	۵/۵۹	۵/۶۳	۱۵/۷۱	۵/۱۳
کجی	-۱/۰۲	۱/۲۰	-۰/۴۸	۰/۴۰
کشیدگی	۰/۳۵	۰/۲۲	-۰/۶۲	-۱/۰۹

**= P<۰/۰۱ و *= P<۰/۰۵

نتایج بدست آمده از جدول ۱ نشان داد که رابطه گرایش به روابط فرازناشویی با تنظیم هیجانی مثبت (r= -۰/۶۷ و P<۰/۰۱)، تنظیم هیجان منفی (r=۰/۳۵ و P<۰/۰۱) و خودپنداره جنسی (r=-۰/۳۵ و P<۰/۰۱) معنادار بود. همچنین رابطه میان خودپنداره جنسی با تنظیم هیجانی مثبت (r=۰/۲۱ و P<۰/۰۱) و تنظیم هیجان منفی (r=۰/۹۶ و P<۰/۰۱) معنادار بود. با توجه به همبستگی‌های بدست آمده پیش‌فرض رابطه میان متغیر میانجی (تنظیم هیجان) با متغیرهای درون‌زا (گرایش به روابط فرازناشویی) و برون‌زا (خودپنداره جنسی) مدل برقرار بود. همچنین در جدول مقدار بدست آمده برای شاخص‌های کجی و کشیدگی بین ۲+ تا ۲- بود پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها رعایت شده بود. همچنین در شکل ۱ نگاره مدل پژوهش ارائه شده است. همچنین برای بررسی پیش‌فرض استقلال خطاها از آزمون دوربین – واتسون استفاده شد که مقدار آن ۲/۰۴ بود که در محدوده قابل قبول ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت. همچنین از آماره تحمل و تورم واریانس برای بررسی عدم هم‌خطی میان متغیرهای پیش‌بین پژوهش استفاده شد که نتایج نشان داد آماره تحمل کمتر ۰/۱۰ و تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ برای متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد که حاکی از رعایت پیش‌فرض عدم همخطی میان متغیرها است. با توجه به برقرار بودن پیش‌فرض‌ها مدل پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که نگاره آن در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس خودپنداره جنسی با نقش میانجی‌گر تنظیم هیجان مثبت و منفی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

شکل ۱ مدل روابط متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در این مدل خودپنداره جنسی به عنوان متغیر برون‌زا قرار گرفته است که اثر مستقیم و غیر مستقیم آن به واسطه تنظیم هیجانی مثبت و منفی بر گرایش به روابط فرازناشویی به عنوان متغیر درون‌زا مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول ۲ نتایج بررسی اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش بر استرس پس از سانحه ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج اثرات مستقیم متغیرهای مدل پژوهش بر گرایش به روابط فرازناشویی

مسیر مستقیم	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد	مقدار تی	حد پایین	حد بالا	P
اثر خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۷۷	-۰/۱۱	۰/۳۵	۰/۳۸
اثر تنظیم هیجان منفی بر گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۳۰	۰/۳۲	۲/۴۵	۰/۱۳	۰/۵۵	/۰۱
اثر تنظیم هیجان مثبت بر گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۵۸	-۰/۶۳	-۱۶/۷۸	-۰/۶۷	-۰/۵۷	۰/۰۱

نتایج بدست آمده از جدول ۲ نشان داد که اثر مستقیم تنظیم هیجان منفی و تنظیم هیجان مثبت به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد شده ۰/۳۲ (P=۰/۰۱) و ۰/۶۳- (P=۰/۰۱) بر گرایش به روابط فرازناشویی معنادار بود، ولی اثر خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۱۰ معنادار نبود (P>۰/۰۵). در جدول ۳ نتایج اثرات غیر مستقیم به روش بوت استراپ ارائه شده است.

جدول۳. نتایج اثرات غیرمستقیم خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی با میانجی‌گری تظیم هیجان

متغیر	ضریب استاندارد	حد پایین	حد بالا	P
خودپنداره جنسی_ تنظیم هیجان منفی_گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۱۰	-۰/۱۸	-۰/۰۵	۰/۰۰۶
خودپنداره جنسی_ تنظیم هیجان مثبت_گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۰۴۴	-۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۰۰۹

در روش بوت استراپ با سطح اطمینان ۰/۹۵ اگر مقدار صفر خارج از دامنه حد بالا و حد پایین قرار گیرد، اثرغیرمستقیم معنادار است. بر همین اساس نتایج بدست آمده از جدول ۳ نشان داد که با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد اثر غیرمستقیم خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی به واسطه تنظیم هیجان منفی و مثبت به ترتیب با اندازه اثرهای ۰/۱۰- (P=۰/۰۰۶) و ۰/۰۴۴- (P=۰/۰۰۹) معنادار بود.

جدول ۴. شاخص های برازش مدل پژوهش

شاخص	χ^2/df	RMSEA	IFI	CFI	GFI	AGFI
ملاک برازش	۳ ≥*	۰/۰۸≥*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*
آمارهٔ پژوهش حاضر	۰/۷۵	۰/۰۰۱	۱	۱	۰/۹۹۹	۰/۹۹

برای برازندگی مدل هر مقدار شاخص برازندگی تقسیم x^2 بر درجه آزادی کوچکتر از۳ باشد، برازندگی مدل بهتر است. مقدار بدست آمده در پژوهش حاضر ۰/۷۵ است که حاکی از برازش مطلوب مدل است. همچنین به طور کلی هرچه مقدار IFI، CFI، GFI و AGFI به یک نزدیکر باشد و حداقل بالاتر از ۰/۹۰ باشد، حاکی از برازش مطلوب مدل دارد. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده بر چهار شاخص ذکر شده در پژوهش حاضر یا برابر با یک بوده و یا بسیار نزدیک بوده، بنابراین بر اساس این شاخص‌ها مدل پژوهش برازش بسیار مطلوبی دارد. در نهایت مناسب و هرچقدر به صفر نزدیکتر باشد حاکی از برازش خوب الگو می باشد. برای شاخص RAMSEA نیز مقدار کمتر ۰/۰۵ بیانگر برازش خیلی مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر با ۰/۰۰۱ بود. به طور کلی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار بدست آمده برای شاخص‌های برازش در سطح مطلوبی قرار دارند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی تنظیم هیجان در رابطه خودپنداره جنسی و گرایش به روابط فرزناشویی در افراد متأهل با تجربه خیانت زناشویی همسر بود. نتایج نشان داد که اثر غیرمستقیم خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی به واسطه تنظیم هیجان منفی و مثبت معنادار بود. این یافته پژوهش با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های کریمی و کرد (۱۳۹۶)، ماتینز – مارین و همکارن (۲۰۲۱)، سبحانی و همکاران (۲۰۲۰)، فتحی (۲۰۲۱) و دشت‌بزرگی (۲۰۱۸) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که خودپنداره به عنوان یک سازه مهم در سازمان شخصیت، بیانگر ادراک فرد و هر چیز مرتبط با فرد است و به طور خاص خودپنداره جنسی بیانگر درک و تمایلات جنسی فرد است که عملکرد جنسی فرد را متأثر می‌سازد (پتکی[1] و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه عملکرد جنسی مهم‌ترین جنبه عملکردی رابطه زناشویی است، بنابراین احتمال داد که ادراک‌های افراد پیرامون آن بر رفتار، هیجان و شناخت افراد تاثیر گذار باشد. در همین رابطه بیان شده است که خودپنداره جنسی شامل ادراک هیجان‌های جنسی افراد پیرامون خود است و هر چه این ادراک‌ها مثبت باشد منجر به هیجان‌های جنسی مثبت می‌گردد و هرچه این ادراک‌ها منفی باشد منجر به هیجان‌های جنسی منفی می‌گردد (دوتچ[2] و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین می‌توان احتمال داد که خودپنداره جنسی با توجه به نقشی که در ادراک و پردازش هیجان‌ها و همچنین معنادهی هیجانی دارد، بر تنظیم هیجان اثرگذار باشد. به عبارتی دیگر این احتمالا وجود دارد که خودپنداره جنسی مثبت با توجه به پردازش شناختی و هیجانی مثبتی که به همراه دارد از راهبردهای مثبت تنظیم هیجان مانند پذیرش و عدم سرزش خود همراه گردد. این راهبردهای مثبت تنظیم هیجان با افزایش سطح تماس عاطفی زوجین و همچنین افزایش ابراز نیازها، می‌تواند تمایل به روابط فرازناشویی را کاهش دهد. در همین رابطه بررسی تجارب زوجین نشان می‌دهد که افزایش فاصله عاطفی زوجین و همچنین عدم ارضا نیازهای عاطفی، روانی و جنسی زوجین در رابطه، می‌تواند انگیزه اساسی آنها برای تمایل به روابط فرازناشویی باشد (امانی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین می‌توان گفت که خودپنداره جنسی اگر مثبت باشد، می‌تواند با پردازش هیجانی مثبت و شناخت‌های مثبت پیرامون خود، منجر به افزایش راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و کاهش تنظیم هیجان منفی گردد. از سوی دیگر نیز استفاده از راهبردهای مثبت با توجه به اینکه فاصله عاطفی زوجین را کاهش می‌دهد و با بخشش و پذیرش بیشتری همراه است، احتمالا با کاهش گرایش به روابط فرازناشویی همراه می‌گردد. علاوه بر این خودپنداره جنسی مثبت با توجه به اینکه با پذیرش خود و شناخت مثبت همراه است، می‌تواند منجر به نوعی از تنظیم هیجان گردد که تسهیل کننده بروز و ابراز هیجان‌های نظیر ترس و علاقه به مواردی مختلفی به ویژه مسائل جنسی گردد (پتکی و همکاران، ۲۰۱۷؛ حیدری و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین می‌توان این استدلال را کرد که خودپنداره جنسی با توجه به نقشی که در ابراز و سرکوب هیجان‌ها دارد، می‌تواند بر راهبردهای تنظیم هیجان اثرگذار باشد.

همچنین نتایج نشان داد که اثر مستقیم خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی معنادار نیست. در رابطه با این یافته پژوهشی همسو و یا ناهمسو مشاهده نگردید. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های رمضانی و همکاران (۱۳۹۱) و یزدانی و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. این همسویی از آن جهت بود که این پژوهش‌ها نیز نشان داده بودند که خودپنداره جنسی به واسطه رفتارهای جنسی و برانگیختگی هجیانی بر رابطه افراد متاهل اثر می‌گذارد. بنابراین این احتمال وجود دارد که خودپنداره جنسی به واسطه اثرگذاری بر هیجان‌ها و رفتارهای جنسی و عاطفی افراد متأهل، بر گرایش به روابط فرازناشویی اثر بگذارد. نتایج پژوهش حاضر نیز موید این مورد بود که پیش‌تر به آن پرداخته شده است. به نظر می‌رسد که خودپنداره جنسی به واسطه اثری که بر هیجان‌ها، سطح صمیمیت و ارضای نیازهای عاطفی و جنسی دارد، بر رابطه زوجین و خیانت زناشویی اثرگذار است (معصومی و همکاران، ۲۰۱۶). بر همین اساس می‌توان این استدلال را مطرح کرد که خودپنداره جنسی به عنوان یک متغیر پویا و زمینه‌ای در افراد، احتمالا به واسطه اثرگذاری که بر بافت هیجانی و ارتباطی رابطه زوجین دارد، می‌تواند بر گرایش به روابط زناشویی اثر بگذارد. در غیر این صورت به صورت مستقیم و بدون اینکه همراه با تغییرات هیجانی و ارتیاطی باشد، احتمالا نتواند بر گرایش به روابط فرازناشویی اثربگذارد.

همچنین نتایج نشان داد که اثر مستقیم راهبردهای مثبت تنظیم هیجان بر گرایش به روابط فرازناشویی معنادار بود. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های رفیعی‌نیا و همکاران (۲۰۲۱)، فراهانی و منصوری (۲۰۱۹)، فتحی (۲۰۲۱) و دشت‌بزرگی (۲۰۱۸) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که راهبردهای تنظیم هیجان در حل و فصل و بروز تعارض و تنش‌ها و همچنین اقدام در جهت ارضای

1 Potki
2 Deutsch

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

نیازهای زوجین نقش دارد و به همین دلیل بر روابط فرازناشویی اثر می‌گذارند (جهان و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین با توجه به نقشی که تنظیم هیجان در بروز و حل و فصل تعارض‌ها و همچنین ابراز نیازهای عاطفی زوجین دارد، می‌تواند بر گرایش به روابط فرازناشویی اثرگذار باشد، چرا که کیفیت رابطه عاطفی زوجین و ابراز نیازهای زوجین عاملی تعیین کننده در گرایش به روابط فرازناشویی است. در همین رابطه و طبق نظریه تبادل اجتماعی، زمانی که در رابطه زوجین عوامل منفی مانند تعارض‌ها و تنش‌ها کاهش یابد و در مقابل جنبه‌های مثبت مانند تجربه هیجانی مثبت و برآورده شدن نیازها افزایش یابد، تمایل زوجین به حفظ رابطه افزایش پیدا می‌کند و در مقابل تمایل آنها به خروج از رابطه و وارد شدن به رابطه‌های جایگزین کاهش پیدا می‌کند (استافورد، ۲۰۱۷). بنابراین می‌توان استدلال کرد تنظیم هیجان مثبت با کمک کردن به ارضا نیازها و کاهش تنش‌ها در رابطه زوجین، احتمالا منجر به کاهش گرایش به روابط فرازناشویی می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد که اثر مستقیم راهبردهای منفی تنظیم هیجان بر گرایش به روابط فرازناشویی معنادار بود. این یافته پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های رفیعی‌نیا و همکاران (۲۰۲۱)، فراهانی و منصوری (۲۰۱۹) و دشت‌بزرگی (۲۰۱۸) بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تنظیم هیجانی منفی به معنای عدم درک نیازهای هیجانی و همچنین افزایش گره‌ها و بن‌بست‌های هیجانی است. در همین رابطه نشان داده شده راهبردهای منفی تنظیم هیجان با عدم درک، شناسایی و ابراز هیجان در جهت رفع نیازهای فرد همراه است (هالیون[1] و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین می‌توان احتمال داد که تنظیم هیجان منفی با توجه به اینکه مانع درک و ابراز صحیح نیازهای زناشویی در رابطه با همسر می‌گردد، احتمالا منجر به افزایش گرایش به روابط فرازناشویی گردد. چرا که عدم ارضای نیازهای هیجانی و جسمی از دلایل اصلی زوجین برای خیانت زناشویی است (مولر و وسلر، ۲۰۱۵). بنابراین تنظیم هیجان منفی با توجه به اینکه مانع شناخت، درک و ابراز نیازها هیجانی و جسمی در رابطه زناشویی می‌گردد، احتمالا منجر به افزایش گرایش به روابط فرازناشویی می‌شود. علاوه بر این باید توجه گرد که تنظیم هیجان در رابطه زوج‌ها اثرگذاری متقابل دارد (لونسون[2] و همکاران، ۲۰۱۴). بدین صورت که اگر یکی از طرفین به صورت منفی تنظیم هیجان را انجام دهد، احتمالا دیگری در قبال فرد نیز همین شیوه در دنبال کند و از راهبردهای منفی نظیر سرکوب، سرزنش و فاجعه‌سازی استفاده کند. با توجه به اینکه این شیوه تنظیم هیجان بی‌اعتبار کننده فرد و نیازهای وی در رابطه است، بنابراین احتمال دارد گرایش به روابط زناشویی برای دریافت اعتبار و توجه به نیازها را نشان دهد.

در مجموع نتایج بدست آمده نشان داد که اثر غیرمستقیم خودپنداره جنسی بر گرایش به روابط فرازناشویی با میانجی‌گری تنظیم هیجان مثبت و منفی معنادار بود. همچنین تنظیم هیجان مثبت و منفی بر گرایش به روابط فرازناشویی اثر مستقیم معناداری داشتند. بنابراین بهبود تنظیم هیجان در زنان متاهل توسط روان‌شناسان و مشاوران با توجه به خودپنداره جنسی، می تواند راهی برای کاهش گرایش به روابط فرازناشویی باشد.

نمونه پژوهش حاضر محدود به زنان ۲۵ الی ۴۵ سال متقاضی طلاق در شهر تهران بود، بنابراین نتایج بدست آمده محدود به این جمعیت بوده است. همچنین نمونه‌گیری پژوهش به صورت هدفمند بود، بنابراین عدم استفاده از نمونه‌گیری تصادفی محدودیت دیگر پژوهش حاضر بود. به همین جهت پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی مشابه بر روی گروه‌های دیگر مانند مردان و یا زنان با دامنه سنی دیگر صورت بگیرد، تا تعمیم‌پذیری نتایج بدست آمده مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای رفع محدودیت ناشی از نمونه‌گیری هدفمند که تعمیم‌پذیری نتایج را با محدودیت روبرو می‌کند، پیشنهاد می‌شود که در پژووهش‌های آتی در صورت امکان از نمونه‌گیری تصادفی استفاده گردد.

منابع

امانی، ا؛ خالق پناه، ک. و محمدی, ا. (۱۳۹۸). تجربه زیسته زنان آسیب دیده از روابط فرازناشویی همسر در شهر سنندج. *مشاوره و روان درمانی خانواده*, ۹(۲), ۲۵۵-۲۷۲. 20.1001.1.22516654.1398.9.2.12.8

رمضانی، م. آ؛ قائم مقامی، آ؛ طلا کار، م؛ سعادت، ح؛ زمانی، ا؛ شمس، ج. و هادی، س. (۱۳۹۱). ارزیابی پایایی و روایی رسشنامه چند وجهی خودپنداره جنسی در جمعیت ایران. مجله طب نظامی، ۱۴(۴)، ۳۰۲-۳۰۹. http://militarymedj.ir/files/site1/user_files_01eb20/ramezani_ma-A-10-993-1-675690e.pdf

1 Hallion
2 Levenson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

کریمی، ص. و کرد، ب. (۱۳۹۶). پیش بینی تنظیم هیجانی بر اساس شفقت ورزی به خود و تن انگاره دانشجویان. *مطالعات روان شناسی تربیتی*، ۱۳(۲۸)، ۲۰۷-۲۳۰. 10.22111/JEPS.2017.3601

Apostolou, M. (2019). Why Greek-Cypriots cheat? The evolutionary origins of the Big-Five of infidelity. *Evolutionary Behavioral Sciences, 13*(1), 71–83. https://doi.org/10.1037/ebs0000140

Baucom, D. H., Pentel, K. Z., Gordon, K. C., & Snyder, D. K. (2017). An integrative approach to treating infidelity in couples. In *Foundations for couples' therapy* (pp. 206-215). Routledge.

Besharat, m. A. (2010). *Preliminary evaluation of psychometric properties of Cognitive Emotion Regulation Questionnaire.* Research report, University of Tehran.

Dashtbozorgi, Z. (2018). Effectiveness of self-compassion therapy on loneliness and emotion regulation of damaged women from marital infidelity. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, *18*(4), 72-79. https://jsr-p.khuisf.ac.ir/article_539410.html?lang=fa

Deutsch, A. R., Hoffman, L., & Wilcox, B. L. (2014). Sexual self-concept: Testing a hypothetical model for men and women. *The Journal of Sex Research*, *51*(8), 932-945. https://doi.org/10.1080/00224499.2013.805315

Doherty, W. J., Kalantar, S. M., & Tarsafi, M. (2021). Divorce ambivalence and reasons for divorce in Iran. *Family process*, *60*(1), 159-168. https://doi.org/10.1111/famp.12539

Farahini, M., & Mansouri, A. (2019). The Mediating role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Brain Behavioral Systems and Posttraumatic Growth in Betrayed Men. *Journal of Research in Behavioural Sciences*, *16*(3), 408-417. 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6

Farooq, Z. (2018). Predictors of Relational Turbulence in Early Years of Marriage. *Journal of Behavioural Sciences*, *28*(1), 70-87. https://www.proquest.com/docview/2124416405

Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current opinion in psychology*, *13*, 70-74. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.03.008

Garnefski, N., & Kraaij, V. (2007). The cognitive emotion regulation questionnaire. *European journal of psychological assessment*, *23*(3), 141-149. https://doi.org/10.1027/1015-5759.23.3.141

Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. (2002). *Manual for the use of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire.* Leiderdorp, The Netherlands: DATEC.

Gross, J. J. (2015). Emotion regulation: Current status and future prospects. *Psychological inquiry*, *26*(1), 1-26. https://doi.org/10.1080/1047840X.2014.940781

Habibi, M., Sayed Alitabar, S. H., Pouravari, M., & Salehi, S. (2019). Reliability, validity and factor structure for the attitudes toward infidelity scale. *Journal of Research and Health*, *9*(4), 294-301. 10.29252/jrh.9.4.294

Hackathorn, J., & Ashdown, B. K. (2021). The webs we weave: Predicting infidelity motivations and extradyadic relationship satisfaction. *The Journal of Sex Research*, *58*(2), 170-182. https://doi.org/10.1080/00224499.2020.1746954

Hallion, L. S., Steinman, S. A., Tolin, D. F., & Diefenbach, G. J. (2018). Psychometric properties of the Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS) and its short forms in adults with emotional disorders. *Frontiers in Psychology*, *9*, 539-551. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00539

Hasani, J. (2010). The psychometric properties of the cognitive emotion regulation questionnaire (CERQ). *Journal of clinical psychology*, *2*(3), 73-84. 0.22075/JCP.2017.2031

Heidari, M., Ghodusi, M., & Rafiei, H. (2017). Sexual self-concept and its relationship to depression, stress and anxiety in postmenopausal women. *Journal of menopausal medicine*, *23*(1), 42-48. https://doi.org/10.6118/jmm.2017.23.1.42

Jahan, Y., Chowdhury, A. S., Rahman, S. A., Chowdhury, S., Khair, Z., Huq, K. E., & Rahman, M. M. (2017). Factors involving extramarital affairs among married adults in Bangladesh. *International Journal of Community Medicine and Public Health*, *4*(5), 1379-1386. http://dx.doi.org/10.18203/2394-6040.ijcmph20171506

Levenson, R. W., Haase, C. M., Bloch, L., Holley, S. R., & Seider, B. H. (2014). Emotion regulation in couples. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation* (pp. 267–283). The Guilford Press.

Martínez-Marín, M. D., Martínez, C., & Paterna, C. (2021). Gendered self-concept and gender as predictors of emotional intelligence: A comparison through of age. *Current Psychology*, *40*(9), 4205-4218. https://doi.org/10.1007/s12144-021-02417-9

Masoumi, S. Z., Garousian, M., Khani, S., Oliaei, S. R., & Shayan, A. (2016). Comparison of quality of life, sexual satisfaction and marital satisfaction between fertile and infertile couples. *International journal of fertility & sterility*, *10*(3), 290. 10.22074/ijfs.2016.5045

Moller, N. P., & Vossler, A. (2015). Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. *Journal of Sex & Marital Therapy*, *41*(5), 487-497. https://doi.org/10.1080/0092623X.2014.931314

Munsch, C. L. (2018). Correction:"her support, his support: Money, masculinity, and marital infidelity. *American Sociological Review*, *83*(4), 833-838. https://doi.org/10.1177/0003122418780369

Potki, R., Ziaei, T., Faramarzi, M., Moosazadeh, M., & Shahhosseini, Z. (2017). Bio-psycho-social factors affecting sexual self-concept: A systematic review. *Electronic physician*, *9*(9), 5172–5178. 10.19082/5172

Potki, R., Ziaei, T., Moosazadeh, M., Faramarzi, M., & Shahhosseini, Z. (2020). Predictive Role of Sexual Self-concept in Marital Satisfaction and Sexual Function in Reproductive-aged Women. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, *8*(3), 2334-2341. http://jmrh.mums.ac.ir/article_16001.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]

Rafieinia, P., Delavarpour, M., & Ebrahimi, M. (2021). The Comparison Cognitive Emotion Regulation Strategies and Mindfulness Skills in Individuals who have or have not committed infidelity. *Journal of Family Research*, *17*(3), 467-482. 10.52547/JFR.17.3.467

Riazi, H., Lotfollahi, H., Omani-Samani, R., Maroufizadeh, S., & Montazeri, A. (2020). Evaluation of Sexual Function Among Infertile Women and Their Sexual Self-Concept. *Journal of Reproduction & Infertility*, *21*(4), 291–297. 10.18502/jri.v21i4.4334

Snell, W. E., Jr. (2001). Measuring multiple aspects of the sexual self-concept: The Multidimensional Sexual Self-Concept Questionnaire. In W. E. Snell, Jr. (Ed.), *New directions in the psychology of human sexuality: Research and theory*. Cape Girardeau, MO: Snell Publications. WEB: http://cstl-cla.semo.edu/snell/books/sexuality/sexuality.htm.

Sobhani, R., Zebardast, A., & Rezaei, S. (2020). Cognitive Emotion Regulation Strategies, Body Image, and Sexual Satisfaction in Women with and without a History of Hysterectomy and Mastectomy Surgeries. *Scientific Journal of Nursing, Midwifery and Paramedical Faculty*, *6*(1), 72-87. http://sjnmp.muk.ac.ir/article-1-305-en.html

Stafford, L. (2017). Social exchange theory: A cost-benefit approach to relationships. In *Engaging Theories in Family Communication* (pp. 279-289). Routledge.

Vossler, A., & Moller, N. P. (2020). Internet affairs: Partners' perceptions and experiences of internet infidelity. *Journal of sex & marital therapy*, *46*(1), 67-77. https://doi.org/10.1080/0092623X.2019.1654577

Whatley, M. A. (2008). Attitudes toward infidelity scale. *The Journal of Social Psychology*, 133, 547-51. 10.22108/PPLS.2020.116388.1703

Yazdani, M., Mahmoodi, Z., Azin, S. A., & Qorbani, M. (2019). The effect of counseling based on sexual self-concept via social networks on smartphone in infertile women: a randomized controlled trial. *International journal of community based nursing and midwifery*, *7*(3), 231–240. 10.30476/IJCBNM.2019.44998

Ziaei, T., Khoei, E. M., Salehi, M., & Farajzadegan, Z. (2013). Psychometric properties of the Farsi version of modified Multidimensional Sexual Self-concept Questionnaire. *Iranian journal of nursing and midwifery research*, *18*(6), 439-453. 24554940

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.11.15.2]